

## ای حافظ شیرازی، تو محرم هر رازی

کافی است هنگامی که بر سر دوراهی مانده‌ای و دودل شده‌ای، دست در دامان خواجه شیرازی بزنی و زیر لب آرام بگویی:



ایسنا/خوزستان: کافی است هنگامی که بر سر دوراهی مانده‌ای و دودل شده‌ای، دست در دامان خواجه شیرازی بزنی و زیر لب آرام بگویی: «ای حافظ شیرازی، تو محرم هر رازی، تو را به شاخ نیات قسم...». انگار با گشودن دیوان حافظ همه چیز تمام می‌شود و آرام می‌گیری.

معمولا در خانه هر ایرانی دیوان حافظ پیدا می‌شود و ایرانیان نیز طبق رسوم قدیمی خود در روزهای عید ملی یا مذهبی مثل نوروز یا شب یلدا، تفالی به دیوان حافظ می‌زنند. معمولا برای این کار کتاب را مقابل خود قرار داده و با نثار فاتحه‌ای به روح حافظ شیرازی و عنوان کردن نیت خود در دل، آهسته زیر لب می‌گوییم: «ای حافظ شیرازی، تو محرم هر رازی، تو را به شاخ نیات قسم می‌دهم که هر چه صلاح و مصلحت می‌بینی برایم آشکار و آرزوی مرا برآورده ساز»

بنابراین بیشتر مواقع، هنگامی که بر سر دوراهی می‌مانیم و دودل هستیم، دست در دامان دیوان خواجه شیراز می‌زنیم تا هم تکلیف مان را بدانیم و هم دل مان آرام گیرد و انگار صفحه باز شده از کتاب حافظ، می‌شود چراغ راه مان. حتی خیلی‌ها معتقدند وقتی خواجه حافظ را به شاخ نیاتش قسم بدهی، به خاطر عشق اش حقیقت را نشان می‌دهد و البته تعبیرها از شاخ نیات متفاوت است؛ برخی آن را معشوقه فرضی و برخی عشق ازلی و جاودانه خواجه حافظ می‌دانند. به مناسبت ۲۰ مهر، روز بزرگداشت حافظ در گفت‌وگو با یک محقق خوزستانی و پژوهشگر کتاب‌های تاریخی و فرهنگی به بررسی چرایی تفال به حافظ و منظور وی از شاخ نیاتش پرداختیم.

### منظور حافظ از «شاخ نیات» چیست؟

محمدحسین حکمت‌فر، پژوهشگر تاریخی فرهنگی در گفت‌وگو با ایسنا، در خصوص چرایی تفال به دیوان حافظ توضیح می‌دهد: موضوع حافظ به صورتی است که هر کسی به ظن خودش مطالبی در مورد او می‌گوید اما هیچ کدام از این مطالب مستند به اسناد نیستند. نکته مهم نیز این است که از زمان حافظ حدود هفت قرن دور هستیم و تلاش می‌کنیم همان مطالبی که خود خواجه به آن‌ها اشاره داشته را مطرح کنیم. یافته‌های تاریخی توأم با افسانه‌هایی هست که بعدا نیز پیرامون آن‌ها ساخته و پرداخته می‌شود و چه بسا حقیقت غیر از آن بوده که به دست ما رسیده است. یکی از این موارد، منظور خواجه حافظ شیرازی از «شاخ نیات» است که به راستی چه بود؟ برای دور نشدن از این مهم باید نخست غزلی که شاخ نیات در آن وجود دارد، بررسی شود. شاخ نیات در سه بیت از دیوان حافظ وجود دارد که در ۲ بیت آن کاملا مشخص است که منظور حافظ از شاخ نیات، قلمی است که با آن می‌نویسد. یعنی آن چه از نیش قلم خواجه بر صفحه نقش بسته می‌شود، بسیار شیرین است و می‌توان گفت چون شیرینی نیشکر است. همان طور که می‌دانید نیشکر بسیار شیرین بوده و در زمان حافظ نیز تمام قلم‌ها از نی ساخته می‌شدند. البته باید به این موضوع هم اشاره کنم که قلمی که با آن می‌نوشته به شیرینی نیشکر نیست بلکه نی وجود خواجه حافظ شیرازی است که از تلخی‌رهایی یافته و به شیرینی ایمان شیرین شده و هر چه از وجود نازنین خواجه می‌جوشد چون شاخه نیات شیرین است.

### ۴۰ شب ریاضت حافظ برای رسیدن به شاخ نیات

وی با اشاره به بیت «آن همه شهد و شکر کز سختم می‌ریزد/ اجر صبريست کز آن شاخ نیاتم دادند» ادامه می‌دهد: در این بیت حافظ اشاره‌ای به قلم خود ندارد و از اجر صبری می‌گوید که بابت آن شاخ نیات را به آن داده‌اند. در این بیت دیگر نمی‌توان شاخ نیات را به قلم، همسر، محبوبه و معشوقه حافظ تعبیر کرد. منظور حافظ این بوده است که آن قدر در زندگی و ریاضت‌های شاقه و مافوق‌الطافه صبوری کرده‌ام و استقامت و پایداری داشته‌ام که پس از ۴۰ اربعین به این مقام رسیده‌ام. یعنی به عشق ازلی رسیده‌ام. یکی از کتبی که در تذکره ادبیات داریم به نام تذکره میخانه است. در این تذکره آمده است که خواجه حافظ، عاشق دختری به نام شاخ نیات می‌شود و چون به واسطه فقر خواجه وصال یار میسر نمی‌گشت، نذر کرد ۴۰ شب جمعه به بقعه باباکوهی یا چاه مرتاد علی برود و شب زنده داری کند. بنابراین حافظ عاشق چنین کرد و در این بقعه ماند. (در این تذکره گفته شده که حافظ تا این زمان خواندن و نوشتن نمی‌دانست که چنین چیزی اصلا صحت ندارد.) چون شب چهلم فرا رسید نیز حافظ از ریاضت به خواب رفت و مولا علی (ع) را در

خواب دید که به او می گوید، ابواب خزائن غیب به روی تو گشوده شده است و بیدار شو و خواجه حافظ را در عرفان و علوم به مقامات عالیه رساند و مولا علی (ع) به او فرمود «ای خواجه، حافظ قرآن خواهی شد»، پس وقتی حافظ بیدار شد، خود را شاعر و عارف دید و فی البداهه این بیت را که «آن همه شهاد و شکر کز سخنم می ریزد / اجر صبربست کز آن شاخ نباتم دادند» می گوید و یعنی این غزل اولین غزل حافظ بعد از تحولی است که در خواب امام علی (ع) را می بیند.

حضرت حق، معشوقه شیرین خواجه حافظ

مولف چندین کتاب تاریخی، فرهنگی و ادبی بیان می کند: البته مرحوم استاد معین چنین تلقی را ندارد و می گوید تمام این چیزها افسانه است و برای حافظ، افسانه سازی کرده اند، در حالی که چنین چیزهایی وجود ندارد. نکته ای که باید به آن اشاره کنم، این است که معشوقه ای به نام شاخ نبات برای حافظ وجود نداشته و شاخ نبات در ادبیات ما یک صفت است و حافظ نیز شاخ نبات را به عنوان یک استعاره به کار برده و منظور این بوده است چون دیر به معشوقه ام رسیدم، خداوند پاداش صبرم را به صورت سرودن شعر به من داد. البته عرفا هم می توانند در دنیا عاشق شوند، حتی آقا سید صدرالدین کاشف که کتاب وسائل آن را من بعد از ۵۱ سال منتشر کردم، می گوید انسان ها همیشه باید دو گونه عاشق شوند؛ هم عاشق ظاهر و هم باطن. یعنی هم عشق صوری و هم عشق حقیقی داشته باشند. او می گوید عشق مجازی پلی است برای رسیدن به عشق حقیقی و همین موضوع را هم می توان در داستان برخی عرفا مثل شیخ صنعان دید. حافظ هم می گویم این شهاد و شکر، پاداش اجری است که خداوند به من به خاطر صبری که در راه رسیدن به معشوق شیرینم در پیش گرفتم، به من داد و معشوق شیرینش همان حضرت حق بوده است و عرفا همیشه عاشق حق تعالی بوده اند.

وی ادامه می دهد: به شیخ ابوالحسن خرقانی می گویند: «خدا را چگونه یافتی؟» می گوید: «آن گاه که خود را نیافتم» و این نیز نشان از این است که از عالم کثرت به عالم وحدت می روند و آیه ای هم در قرآن دارد که می فرماید: «هر چیزی را که شما در عالم می بینید در حال گفتن حمد خدا هستند» و سعدی نیز در بوستان خود به این موضوع اشاره داشته است و در واقع کسانی می توانند این مهم را ببینند که به وحدت وجود برسند و حافظ نیز به وحدت وجود رسید و می گوید: «ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد». یعنی باید سختی و بلا بکشی تا به معشوق ازلی و ابدی خود برسی.

قابل تعبیر بودن اشعار حافظ برای دارنده هر صاحب حاجتی

حکمت فر همچنین در مورد دلیل تفال به حافظ، توضیح می دهد: با توجه به این که اشعار حافظ عرفانی و به نوعی الهامی هستند و دل نشین اند باعث می شود که به حافظ تفال بزنیم و گرنه می توانیم این تفال را با کتاب سعدی و صائب هم داشته باشیم اما با توجه به این که حافظ سرشناس تر شده است و مردم نیز او را دوست دارند و از خواندن کتابش لذت می برند، به دیوان او تفال می زنند. ضمن این که اشعار حافظ برای دارنده هر صاحب حاجتی و دارنده نیت قابل تعبیر است و به راحتی می تواند آن را تعبیر کند و از این جهت است که مردم برای تفال زدن بیشتر سمت حافظ می روند. حافظ را لسان الغیب هم گفته اند، یعنی این که از دل آدمیان خبر می دهد. یک نویسنده به نام هوشنگ فتی نیز کتابی نوشته است و در این کتاب اشاره می کند که حافظ چه آیاتی از قرآن را در دیوان خود به کار برده یا به آن ها اشاره داشته است و آنها را تحت عنوان کتابی به نام «لسن غیب و لسان الغیب» آورده است. لسن غیب همان خداوند و قرآن است و لسان الغیب نیز دیوان حافظ است. بنابراین صحبت های کسی که مستجاب الدعوه باشد، یعنی عارف و ریاضت کشیده باشد به دل مردم می نشیند و اثربخشی و تاثیر آن نیز فراوان است و این مهم در مورد حافظ صدق می کند. مولانا نیز می گوید: «اندر سر ما عشق تو پا می کوبد». یعنی این عشق است که همه ما را تحت تاثیر خود قرار می دهد و ما را رهبری می کند که به کجا برویم و اصلا خداوند هم قبل از این که انسان را خلق کند، عشق را آفرید و عرفا می گویند عشق آفریده شده است. پس اگر همین عشق را از انسان ها بگیریم، چیزی برای آن ها نمی ماند. عرفا هم می گویند رسیدن به معشوق اصلا مهم نیست و سختی که در راه رسیدن به وصال معشوق کشیده می شود، اهمیت دارد.

چرا در تفال، حافظ به شاخ نباتش قسم داده می شود؟

وی درباره قسم دادن خواجه حافظ شیرازی به شاخ نباتش می گوید: هنگامی که می خواهیم به حافظ تفال بزنیم می گوئیم، ای حافظ شیرازی تو کاشف هر رازی، به حق شاه چراغت، به حق شاخ نبات و بعد تفال زده می شود. در این جا منظور معشوقه نیست و آیا حافظ را به خاطر معشوقه اش قسم می دهند که چنین چیزی نیست و شاخ نبات همان

عشق ازلی حافظ است که به آن رسیده است. منظور از تو را قسم به شاخه نباتت، یعنی تو را قسم به باطن و نیت خیرت. در کتاب لطیفه غیبی محمد گل اندام که معاصر، دوست و هم شاگردی حافظ بوده و همچنین کتاب تحفه الفقراء که تقریباً ۶۰، ۷۰ سال پس از حافظ توسط سمرقندی نوشته شده است، اشاره ای به شان حافظ شده است که در هیچ کدام از این ۲ کتاب، اشاره ای به معشوقه دنیایی برای حافظ نداشته اند. اگر تمام اشعار حافظ را بخوانیم، متوجه می شویم که اشعار او مملو از عرفان است و این عرفا جز ذات حق به چیزی توجه نکرده اند و خیلی به مسایل اجتماعی به خاطر این که فرصت نداشتند، نپرداختند و نمی توانستند به چیز دیگری هم فکر کنند زیرا عمرشان بر باد می رفت.

چه کسانی می توانند گیرنده فال حافظ باشند؟

این محقق ادبی ادامه می دهد: تفال زدن به حافظ شیوه خود را دارد و این به نیت خودمان بستگی دارد و تفال زدن به خواجه حافظ شیرازی اصلاً هم بد نیست. خود من اعتقاد عجیبی به تفال زدن به حافظ و قرآن دارم و واقعا نیز نتیجه گرفته ام. به هر حال تفال به حافظ به نفس حق خود انسان و صاحب نفسی که برای ما استخاره و فال می گیرد، بستگی دارد و هر کسی نمی تواند این کار را انجام دهد.